

فصل سوم: اخلاق نقد

(شیوه‌های اخلاقی مواجهه با اندیشه‌ها)



۰۱ اهمیت و جایگاه

۰۲ معنانشناسی نقد

۰۳ ضرورت نقد

۰۴ شرایط اخلاقی نقد

دکتر علی اصغر آخوندی
گروه معارف اسلامی

۱- اهمیت و جایگاه

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های شکوفایی علم و اندیشه در یک جامعه و از علائم رشد و بالندگی و پویایی یک ملت، رونق مباحثات علمی، تضارب آرا و تبادل افکار است.

جامعه مورد پسند اسلام و قرآن، جامعه‌ای است که در آن علم و عالمان ارزش و منزلتی بی‌بدیل داشته باشند و اندیشمندان و مبتکران و مخترعان و قهرمانان فکری و فرهنگی آن دارای ارج و ارزشی بسیار والا باشند.

یکی از مهم‌ترین شرایط لازم برای تحقق نشاط و پویایی علمی در جامعه و ایجاد یک جامعه علم‌دوست و اندیشه‌پرور، آزادی اندیشمندان و عالمان در ارائه اندیشه‌ها و نظریات علمی خود است.

جامعه‌ای که عالمان آن از بیم، سر در گلیم بکشند، بالتبع جاهلان و چاپلوسان در رأس خواهند نشست.

۱- اهمیت و جایگاه

یکی از مهم‌ترین قیود آزادی، قیود اخلاقی است. اخلاق حاکم بر آزادی است و آزادی در صورتی عاقلانه و ثمربخش خواهد بود که در چهارچوبه اخلاق باشد. طرح گسترده نظریات علمی و رواج بازار نقد و نقادی زمانی می‌تواند نویدبخش و مبارک تلقی شود که:

اولاً، موضوعات مورد گفتگو، موضوعاتی مفید و ثمربخش باشند.

ثانیاً، گفتگوها و مباحثات علمی در فضایی مناسب و به شیوه‌ای سالم و با مراعات همه اصول معرفتی و اخلاقی انجام گیرد.

فقدان شرط اول، بحث‌ها را مناقشات بی‌حاصل و بی‌ثمر تبدیل می‌کند.

فقدان شرط دوم، مفاسد و مشکلات اجتماعی به بار می‌آورد.

۱- اهمیت و جایگاه

یکی از موضوعات و مسائلی که در دوران جدید به شدت مورد اهتمام اندیشمندان قرار گرفته است، مباحثی است که تحت عنوان «تفکر نقدی»، «تفکر انتقادی» یا «منطق کاربردی» مطرح می‌شود.

در کنار آشنایی با مغالطات منطقی، باید با آداب و اصول اخلاقی در مقام ارائه یک فکر و اندیشه نحوه مواجهه با مخالفان فکری خود و همچنین در مقام فهم یا نقد اندیشه دیگران، به خوبی آشنا شویم و از لغزشگاه‌های بزرگ و سعادت‌سوزی که در این عرصه وجود دارد، به شدت پرهیز کنیم.

۲. معناسناسی نقد

□ برخی بر این باورند که نقد و انتقاد، صرفاً به معنای بیان خوبی‌ها و محسنات است و در آن نباید از زشتی و نادرستی‌های امر مورد انتقاد سخنی به میان آورد. یکی از نویسندگان در این باره می‌گوید: «نقد، کوششی است برای یافتن و شناختن و دوست داشتن و توصیه کردن همهٔ نکته‌های خوبی که در جهان اندیشه و نوشته شده‌اند، و نه بهترین آنها».

□ در مقابل، برخی بر این باورند که نقد و انتقاد، در معنای رایج و شایع آن، به معنای عیب‌جویی و خرده‌گیری است و نقاد هیچ التزامی ندارد که به بیان خوبی‌ها و نکات مثبت یک نوشته و اندیشه، هر چند که نکات مثبت آن بسیار هم باشد، اشاره‌ای داشته باشد.

۲. معناشناسی نقد

دیدگاه درست:

□ نقد و انتقاد به معنای «ارزیابی منصفانهٔ یک چیز» است و برای این ارزیابی، در بسیاری از موارد لازم است در کنار بیان نقاط ضعف، نقاط قوت را نیز یادآور شد.

□ به تعبیر برخی از نویسندگان: «انتقاد به معنای مذمت کردن نیست و انتقاد کننده می‌تواند کتاب نویسنده یا شعر گوینده‌ای را انتقاد نماید، بدون اینکه کلمه‌ای نادرست در آن یافته و نکوهش کرده باشد، بلکه ممکن است تمام تعریف کند. ممکن هم هست کتابی را انتقاد نماید و کلمه‌ای در خور ستایش در آن نیابد؛ پس کلمهٔ انتقاد به معنای نکته‌گیری و عیب‌جویی نیست، بیشتر به معنای نکته‌سنجی و تحقیق است.»

□ نقد در اصطلاح: «واریسی و بررسی نوشتار (گفتار یا رفتاری) برای شناسایی و شناساندن زیبایی و زشتی بایستگی و نبایستگی، بوده‌ها و نبوده‌ها و درستی و نادرستی آن است.»

۳. ضرورت نقد

❖ آزادی نقد، به شرط رعایت آداب اخلاقی آن، در یک جامعه هیچ ضرری را در پی نخواهد داشت؛ زیرا یا انتقاد وارد است که در آن صورت باید از منتقد تشکر کرد که عیب کار یا نادرستی اندیشه ما را گوشزد کرده است و یا وارد نیست که پاسخ داده می شود و سوء تفاهم ایجاد شده، برطرف می گردد.

❖ بنابراین، آزادی افراد جامعه در نقد و انتقاد از عملکردها و همچنین آزادی اندیشمندان در نقد آرای یکدیگر، به شرط رعایت ضوابط علمی و اخلاقی، جای هیچ گونه نگرانی ندارد.

امام صادق (ع): بهترین دوستان در نزد من کسانی هستند که عیوب و نواقص من را به من هدیه دهند.

امام علی (ع): کسی که عیب تو را به تو بنمایاند، تو را خیرخواهی کرده است.
کسی که عیوب و کاستی های تو را پنهان کند، دشمن توست.

۳. ضرورت نقد

نقد و انتقاد از نابسامنی‌ها و کج‌اندیشی‌ها، از وظایف دینی مردم است. نقد اندیشه‌های نادرست، در حقیقت از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر در حوزه معرفتی است.

نقد اندیشه‌ها و عملکردهای نادرست، به ویژه در جایی که احتمال تأثیرگذاری آنها در میان افراد جامعه بالا باشد، یک وظیفه اجتماعی است. افزون بر این، نقد اندیشه‌ها و گفتارها و کردارهای نادرست یک فرد یا گروه، خدمت به خود آن فرد یا گروه است. هر چند ممکن است آنان خود، در ابتدا از چنین خدمتی ناراحت شوند، اما ناراحتی آنان نباید موجب شود که ناقد، از نقد صرف نظر کند.

۴. شرایط اخلاقی نقد

۴-۱. فهم سخن و تبحر در موضوع

چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست
سخن شناس نه‌ای، جان من، خطا اینجاست

- اگر در نقد، به ویژه نقدهای علمی، ناقد در پی بیان درستی و نادرستی یک اندیشه است، **طبیعتاً نخستین شرط این کار**، آن است که آن سخن را به درستی فهمیده باشد.
- نقد بدون فهم و رد بدون درک، نشانه گستاخی جاهلانه و حق شناسی نقاد است.
- هیچ کس اخلاقاً مجاز نیست پیش از فهم درست و دقیق یک مدعا و به صرف داشتن تصویری مبهم و اجمالی از یک نظریه به نقد آن بپردازد.
- البته کسی که اندیشه، گفتار یا کردار او مورد نقادی قرار می‌گیرد، نباید فوراً ناقد را به عدم فهم مطالب خود متهم کند.

۴. شرایط اخلاقی نقد

۴-۲. کنار نهادن حب و بغض

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که رعایت آن شرط اصلی فهم سخن گوینده یا نویسنده و همچنین شرط اصلی درک حقیقت یک گفتار یا رفتار است، کنار نهادن حب و بغض‌هاست.

تأثیر حب و بغض تا آنجاست که می‌تواند هنر را عیب و عیب را هنر جلوه دهد. کسی که به قصد مچ‌گیری، به نقد یک اندیشه یا رفتار می‌پردازد، قطعاً از درک حقیقت آن عاجز خواهد بود.

البته باید توجه داشت که کسی یا کسانی که اندیشه یا رفتار آنان مورد نقد قرار گرفته است، اخلاقاً مجاز نیستند ناقد را به سوء‌غرض و داشتن حب و بغض نسبت به خودشان متهم کنند. آنان موظف‌اند به بررسی ادله‌ی ناقد پرداخته و درستی یا نادرستی آنها را بنمایانند.

۴. شرایط اخلاقی نقد

۳-۴. پرهیز از نقد متقابل

آینه چون نقش تو بنمود راست
خود شکن، آینه شکستن خطاست

یکی دیگر از آفتهای اخلاقی بزرگ در عرصه نقد و نقادی این است که بسیاری از افراد در پاسخ نقدهای ناقدان، بدون آنکه به پاسخگویی نقدها پردازند، به بررسی آثار ناقد و مطالعه سرگذشت و تاریخ زندگی ناقد پرداخته، می‌کوشند به گونه‌ای از لابلای اندیشه‌ها و اعمال خودش بی‌عملی و نادرستی‌های را استخراج کنند و آنها را به رخ ناقد بکشند. عمل نکردن ناقد به سخنان خویش دلیل بی‌اعتباری و نادرستی نقد او نمی‌شود.

تنها ثمره و پیامد نقد متقابل، محروم کردن خود از هدایت‌ها و نصایح دیگران است.

۴. شرایط اخلاقی نقد

۴-۴. نقد انگیخته به جای انگیزه: به گفته بنگر نه به گوینده

یکی از بزرگ‌ترین آفت‌های اخلاقی در عرصه‌ی نقد، خلط انگیزه و انگیخته است.

ناقد و یا کسی که مورد نقد قرار می‌گیرد، به جای پرداختن به اصل موضوع و پاسخ نقدهای ناقد، به کالبدشکافی نیت و انگیزه یکدیگر اقدام می‌کنند.

انگیزه‌خوانی یکی از مغالطاتی است که در بسیاری از گفتگوها و مشاجرات سیاسی، اجتماعی و حتی علمی رواج دارد.

امیرمؤمنان علی (ع): حکمت را از هر کسی که آن را بیان می‌کند بگیر؛ و به گفته بنگر و به گوینده منگر.

۴. شرایط اخلاقی نقد

۴-۵. تفکیک اندیشه و رفتار از فرد

هم ناقد و هم کسی که مورد انتقاد قرار می‌گیرد باید به این مهم توجه داشته باشند که نقد را از ساحت نقد اندیشه و کردار، به نقد صاحب اندیشه و کردار نکشانند.

در حقیقت نقد یک سخن یا رفتار نشان‌دهنده اهمیت آن اندیشه یا رفتار برای ناقد است. کسی که به نقد اندیشه یا سخنی می‌پردازد، در حقیقت، در جهت اصلاح و تکمیل آن گام برداشته است.

بنابراین، هرگز نباید نقد او را به معنای در افتادن با شخص نقدشونده تلقی کرد.

به تعبیر دیگر، کسی که اندیشه‌ای را نقد می‌کند یا ناراستی‌های یک رفتار را نشان می‌دهد، می‌خواهد بیزاری خود را از ناراستی و نادرستی اعلام کند و نه از فردی که مورد نقد قرار گرفته است.

۴. شرایط اخلاقی نقد

۴-۶. لزوم بردباری و نقدپذیری

هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است. در نقد و انتقاد باید هر دو طرف نقد بردباری و حوصله خود را بالا ببرند. در این زمینه پیامبران و امامان الگوهای خوبی برای ما هستند. بزرگان قوم نوح به او گفتند تو در گمراهی آشکاری هستی. گفت من در گمراهی نیستم. به هود گفتند تو در سفاهت هستی. گفت من سفیه نیستم. داستان امام باقر هم در کتاب خواندنی است.

۴. شرایط اخلاقی نقد

۴-۷. پرهیز از برچسب زدن

یکی از شیوه‌های نادرست و خلاف اخلاق در نقد، برچسب زدن و انگ زدن به صاحبان اندیشه و یا به ناقدان است.

افراد به جای نقد اندیشه‌ها و بیان نقاط ضعف دلایل و مستندات یک فکر و یا بیان ناراستی‌های یک عمل، با انتساب‌های غالباً نادرست افکار و اندیشه‌ها به افراد و مکاتب منفور و مطرود جامعه، به خیال خود آن فکر را ابطال و آن اندیشه را از میدان به در کرده‌اند.

برچسب‌هایی از قبیل ارتجاعی، قشری، غربی، غرب‌زده، علم‌زده، عوام‌زده، لیبرال، فاشیست، مستبد، انحصارطلب، ملی‌گرا، کهنه‌گرا، ارسطویی، قرون وسطایی و امثال آن، که اغلب برای تحقیر منتقد یا شخص یا گروه مورد انتقاد کراراً از سوی افراد مختلف در نقد دیگران و یا در پاسخ به نقدها به کار می‌رود. در حالی که چنین برچسب‌هایی حتی اگر هم درست باشند، هرگز خللی در بنیان‌های منطقی یک اندیشه ایجاد نمی‌کنند.

این در حقیقت یکی از مغالطات منطقی با عنوان «مغالطه از طریق منشأ» است که زمانی رخ می‌دهد که منتقد بخواهد یک اندیشه یا رفتار را با بیان منشأ آن و انتساب به شخصیت‌ها یا گروه‌های مذموم و نامطلوب، نادرست معرفی کند.

۴. شرایط اخلاقی نقد

۴-۸. آغاز کردن از خود

ای کسانی که ایمان آوردید، چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید. تأثیر اخلاقی گفتار و توصیه‌ای که خود فرد به آن عمل می‌کند، به مراتب بیشتر از توصیه‌هایی است که در کردار و رفتار فرد توصیه کننده خلاف آنها مشاهده می‌شود.

کسی که خود رطب می‌خورد، اگر دیگران را نهی کند، گفتار او تأثیر لازم را نخواهد داشت. اگر ما واقعاً به قصد اصلاح و رفع نقص‌ها به نقد اندیشه‌ها یا رفتارهای دیگران می‌پردازیم، بهتر است از خود شروع کنیم و پیش از هر کس دیگری به اصلاح و نقد خود بپردازیم.

امام صادق (ع): سودمندترین چیز برای انسان این است که به عیب خویش بر مردم پیشی گیرد.

